

آقا - آغا مغولی است نه ترکی

چون گاهی در مراجع زبان فارسی کلمه «آقا» بدون توجه به منشأ لغوی آن تعریف می‌شود و میان مغولی و ترکی بودن آن نمایشی گذاشته نمی‌شود حتی میان ترکی و مغولی خلط و الناس می‌کنند این تحقیق عرضه می‌شود. (آینده)

زبانهای ترکی و مغولی دو زبان جدا و مستقل‌اند. و نیز باید روشن گردانم که گروه‌بندی «فین - اوگور» که زبانهای فنلاندی تا کره‌ای را در برمی‌گیرد و حتی شاخه کوچکتر «اورال - آلتای» آن که زبانهای ترکی - مغولی و تنگوزی را شامل می‌شود، فرضی است اثبات نشده و بلکه مردود و بی‌اساس (Clauson - Turkish...). دو زبان ترکی و مغولی، اگرچه واژه‌های بسیاری به یکدیگر به وام داده و از یکدیگر سته‌اند و به ویژه زبان مغولی (که گویندگان آن کمتر و واپس‌مانده‌تر از گویندگان زبان ترکی بوده‌اند) واژه‌های فراوانی در دورانهای مختلف و از شاخه‌های گوناگون زبان ترکی به وام گرفته است و انباشتگی واژگان ترکی در مغولی شاید دو چندان واژگان عربی در فارسی باشد. با اینهمه این دو زبان از لحاظ ریشه‌ای هیچگونه پیوندی با یکدیگر ندارند و بنابراین هیچ واژه‌ای را نمی‌توانیم مشترک بین این دو زبان بیانگریم. اصطلاح آقا (= ~~عجم~~) یک واژه مغولی است: (Doerfer - Türkische... Vol.1). در کهن‌ترین متن بازمانده مغولی یعنی: (Mongrol - Un Niuča Tob Ča - An) یا «تاریخ سری مغولان» چندین بار و تنها به معانی، برادر بزرگ و رئیس (فرمانده) یک گروه نظامی آمده است. - فرمانده - افسر - شریف - نجیب - قدرتمند - خواجه (عقیم) - عمو - خواهر بزرگ - جد پدرزن - بزرگتر از نظر سنی و غیره:

(Doerfer - Türkische... Vol.1)

این واژه به زبانهای اردو - گرجی - ارمنی - اسلاوی (روسی - بلغاری - صربی) و یونانی راه یافته است و در اکثر این زبانها (جز اردو) «آگا» ضبط و تلفظ می‌شود (همان.)

اما آغا (= ARA) واژه دیگری است که هیچ ربطی با آقا (= AGA) ندارد و آن نیز واژه‌های مغولی است. در زبان مغولی ~~عجم~~ (= ARA) به معنای بانو - خانم - شاهزاده خانم می‌باشد:

(Lessing - Mongolian و Doerfer - Türkische... Vol.1) و در

کتاب آلتان تویچی به معنای همسر نیز آمده است: (BAWDEN - ALTAN...) و در زبان مغول معاصر (زبان خانی) به صورت آغا- آ (= ARAA) به کار می‌رود.

این واژه نیز به زبان ترکی و زبان فارسی در آمده است و برعکس ترک‌زبانان و برخلاف مقاله‌نویس دایره المعارف که آنرا با آقا در آمیخته‌اند در زبان فارسی همواره متمایز از آقا و به معنای واقعی خود به کار رفته است (دهخدا - لغت‌نامه و معین - فرهنگ بیشتر فرهنگهایی که پس از حمله مغول تألیف شده است).

این را نیز باید افزود که واژگان آقا و آغا در زبان مغولی و در هیچیک از زبانهای ترکی هرگز آگا (= AGA) ضبط نشده است و همانگونه که نشان داده شد تنها در زبانهای اسلاوی به صورت آگا در آمده است. اما آنچه که از دستورالوزرای خواجه نظام‌الملک به نقل از لغتنامه دهخدا به عنوان شاهد کاربرد آغایان به معنای (اعیان و سرداران) آورده شده و در پی آن نویسنده مقاله نسبت اشتباه به شادروان دهخدا داده است، پاک بی اساس است!

شادروان دهخدا به عنوان شاهد واژه آغا (= خاتون، بی بی، سیده، ستی و خانم...) در لغتنامه جمله‌ای چند از «اندرزنامه یا پندنامه یا دستورالوزرا»ی منسوب به خواجه نظام‌الملک آورده است که چنین است «اما شرط رعایت اصناف اربعه: اول جانب حرمهای بزرگ، اگرچه در ازمنه سابقه به خصوص ملوک عجم خواتین را در مهمات ملکی و دولت ملاحظه بسیار نمی‌بود و امور سلطنت به ارادت یا عدم ارادت ایشان زیاده تعلق نمی‌داشت و لیکن خاقانان ترکستان را قاعده این بود که مطلقاً در جمیع وقایع مشورت با آغایان کردند و رأی ایشان بر جمیع اهل استشارات مقدم بودی و سلاطین ترکمان نیز در اصل چون پرورده دولت ایشانند، همان طریقه قدوه و دستور خود دارند و بناء کلیات امور بر صوابدید ایشان نهند، پس پناه به حمایت ایشان بردن از جمله ضروریات است و آنچه‌ان باید که بعد از عدم اختلاط آغایان بالواحق و حواشی ایشان که در مقام قرب باشند علی اختلاف طبقاتهم از احسان این کس محروم نباشند...»

در زبانهای ترکی و مغولی برای نسبت برادران بزرگتر و کوچکتر به یکدیگر اصطلاحی وجود دارد که برای این نسبتها در اکثر زبانهای دیگر جهان (لااقل بیشتر زبانهای هند و اروپایی و سامی) اصطلاح ویژه‌ای نیست. در زبان ترکی اچی‌ایچی‌ایچی (= ECU — ECI) به معنای عمو و دیگر خویشاوندان پدری کوچکتر از پدر و برادر

بزرگتر به کار می‌رفته است و اینی (= INI) به معنای برادر کوچکتر (Clauson - Etymologica). در کهن‌ترین متن بازمانده ترکی یعنی کتیبه‌های اورخون (حدود سده هشتم میلادی) این دو اصطلاح به صورت Inili - Ecili = برادران کوچک و بزرگ با هم آمده است. (Ergin - Orhun...).

در زبان مغولی نیز آقا (= AGA) به معنای: برادر بزرگتر، ارباب، پیرتر، بزرگتر از نظر سنی و «دگو-او» (= Deguu)، دغو (= Dertu)، دو-او (= Duu) به معنای برادر کوچکتر به کار می‌رفته است، (Lessing - Mongol). در زبان مغولی امروز که گویش قبیله «قالقاس-خالخا» است و پس از روی کار آمدن حکومت سوسیالیستی به عنوان زبان ملی برگزیده و پذیرفته شده است و در آن واک ق به خ گراییده است آخ (= AX) به معنای برادر بزرگتر و دو-او (= DÜÜ) به مفهوم برادر کوچکتر کاربرد دارد: I- Hangin - Basic... و Lessing - Mongolian...).

واژه مغولی آقا به زبانهای ترکی و فارسی در آمده و از نظر معنایی گسترش یافته است. در نوشته‌های کهنتر ترکی نیز آقا با (ق) ضبط می‌شده است (ابوالغازی بهادرخان - شجره الاتراک) اما بعدها ضبط و معنای آن در زبانهای ترکی دگرگونی فراوان یافته است، به عنوان مثال در زبان ترکی اویغوری قدیم به صورت آقا و آغا در آمده و تنها معنای برادر بزرگتر داشته است (Caferoglu - Eski...). در ترکی یاقوتی به صورت آکا (= AKA) (Pekarskiy - Yakut...)، در قزاقی به صورت آغا (= ARA) و به معنای بزرگتر (نرینه) - برادر بزرگتر- راهنما و عاقل و عمو به کار می‌رود (Shnitnikov - Kazakh و Kazaksöz... در زبان چوواشی به صورت آخا (= AXA) = برادر بزرگ و عمو و در ترکیب Pāyaxa (= پی آخا) به معنای برادر بزرگ شوهر و خویشان نرینه شوهر که از خود شوهر بزرگتر باشند می‌آید (Paasonen - Cuvas... در تاتاری به صورت آغا (= ARA) = برادر بزرگتر (فقط در خطاب کاربرد دارد) (Tatar... - Poppe) در ترکمنی به صورت آغا (= ARA) = برادر بزرگ و آقا (با مفهومی همانند فارسی) و استاد: (Hanser - Türkmén...) و در دیگر زبانهای ترکی ضبط و مفاهیم زیر را دارد:

آغا - آقا - آقان - آغای - آکا - آکا (= AKKA) - آکی - آوا - آقا
 (= Aqqa) آها - آخا = برادر بزرگتر - بزرگ قوم - پدر بزرگ - آقا (به مفهوم فارسی) - دوست - همراه

اما مقاله‌نویس دایره‌المعارف تشیع «خواتین» را «خوانین» و آغایان را به معنای

نرداران و اعیان پنداشته است. و مدعی شده است که کاتب نسخه شادروان دهخدا به اشتباه «خوانین» نوشته است. ولی معلوم نداشتند که خود از کدام نسخه اصل سود جسته است؟ و در منابع مقاله خویش نیز بدان اشاره‌ای نکرده است. به چندین دلیل آشکار خود شادروان دهخدا در بیان مفهوم درست آغا و ارائه شاهد و کاتب نسخه «اندرزنامه» یا «دستور الوزراه» در ضبط «خواتین» اشتباه نکرده‌اند (اگرچه درباره اصالت دستور الوزراه و کاتبان آن سخنی دارم که بعد خواهم آورد). و تنها مقاله نویسی است که سخت اشتباه کرده است. اینک آن دلایل:

۱- آوردن جمع «خان» به صورت «خوانین»، بسیار متأخر است، پیشینیان و هم عصران خواجه نظام‌الملک و حتی نویسندگان چند سده پس از وی «خان» را با «ان» جمع می‌یسته و خانان می‌آورده‌اند:

تاریخ بیهقی، صفحات: ۹۱۰ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ ...

سیرالملوک یا سیاستنامه خواجه نظام‌الملک، صفحات: ۱۴۷ - ۱۵۵ - ۱۷۰

طبقات ناصری، ج ۱ ص ۳۰۸ ج ۲ - ص ۹۶ - ۱۵۳

جهانگشای جوینی، ج ۱ صفحه ۹۱

جهانگشای جوینی، ج ۱ صفحات ۸۶ - ۱۶۲

جهانگشای جوینی، ج ۲ - صفحه ۸

راحه الصدور. صفحه: ۱۷۴

سیرت جلال‌الدین، منگبرنی. صفحات ۷-۱۳

۲- پیشینیان جمع خاتون را مکرر به صورت خواتین آورده‌اند، و کاربرد آن در ادب پارسی آنقدر فراوان است که نیازی به آوردن شاهد نیست.

۳- آقا به معنای برادر بزرگ و غیره و آغا به معنای بانو و خانم پس از حمله مغول به ایران، وارد زبان فارسی و ترکی شده است و پیش از آن در هیچ نوشته‌ای به کار نرفته است.

۴- براستی ترکان زنان را در کارهای دولت دخالت می‌داده‌اند و با آنان در آن باب‌ها مشورت می‌کرده‌اند و زنان در آن امور نقشهایی ایفا می‌کرده‌اند. عمید الملک کندی سلف و رقیب خواجه نظام‌الملک که با آغاز سلطنت آلپ ارسلان و وزارت خواجه نظام برکنار و تبعید شد، بزین آلپ ارسلان پناه برد تا مگر بخشوده شود، خواجه نگران شد و سلطان را بر آن داشت تا فرمان قتل وی را صادر نماید (ابن جوزی: مرآه الزمان فی تاریخ الاعیان. ص ۱۲۷). اما خود خواجه نیز اثر دخالت زنی از کار برکنار

شد. راوندی درین باره چنین می گوید: ... ترکان خاتون دختر طمغاج خان در حکم سلطان بود و بر سلطان استیلا داشت. او را وزیر بود تاج الملک ابوالغنائم پارسی، مردی با منظر و مخبر و کفایت و فضل و همت و... ترکان خاتون می خواست کی او را بروی نظام الملک برکشد... سلطان را بر آن می داشت که وزارت بدو دهد و تقبیح صورت نظام الملک می کرد و تتبع عثرات او می فرمود تا سلطان را برو متغیر گردانید... (راحه الصدور. ص ۱۳۳) و بنا به نوشته راوندی (ص ۳۴) و حمدالله مستوفی (در تاریخ گزیده. ص ۴۳۷ - ۴۳۸) خواجه از کار برکنار و تاج الملک به وزارت منصوب شد. در عهد پیشینیان و پسینیان ملکشاه نیز زنان مورد مشورت قرار می گرفتند و بر شاهان تسلط داشتند به عنوان مثال: درباره طغرل بک می خوانیم:

«زوجه السلطان طغرل بک ام انوشیروان... (کانت) صاحبه رأی و حزم و عزم و کان السلطان سامعاً و مطیعاً و الامور مردوده الی عقلنها و رأیها و کان و فاتها بجزرجان بعله الاستسقاء فحزن السلطان علیها حزناً شدیداً... (ابن جوزی - مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان. ص ۷۵)»

و درباره محمودبن محمدبن ملکشاه:

«مبارک سایه پادشاهی بود و خادمان بسیار داشت، بحکم آنکه در سرای زنان بسیار نشستی خادمان او همه به دولت رسیدند و بزرگ شدند... (راوندی: راحة الصدور. ص ۲۰۵)» داستان ترکان (Terkän) خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه و قدرت مداری و تسلط وی نیاز به بازگویی و ارائه سند ندارد و نیز در عصر ایلخانان مغول (که به شدت تحت تأثیر فرهنگ ترکی بودند) نقش تورانگنه (Töräginä) خاتون مادر گیوگ خان و سر ققتنی (Sorgagtañi) بیکی مادر مونگکه (Möngke) قاآن در به قدرت رساندن پسرانشان داستانی مشهور است. بیگمان خواجه نظام الملک که در اسلام و تسنن تعصب شدیدی داشت (همانگونه که مقاله نویسی اشاره کرده است)، نمی توانست که همداستان و خرسند به دخالت زنان در امور دولت باشد و نبود، چه که وی در سیرالملوک (سیاست نامه) فصلی با عنوان «اندر معنی اهل ستر و سرای حرم و...» ترتیب داده است که در آن شاهان را از مشورت با زنان و دخالت دادن آنان در امور دولت به سختی باز داشته است (خواجه نظام الملک: سیرالملوک ص ۲۴۲). اما این نظر وی او را از آن باز نمی دارد که نشان چنان پناهگاه امنی را به پسر خویش ننماید، آنهم پسری که گمان وزیر شدنش می رفت.

اما دستور الوزاره (یا اندرزنامه) خواجه یا منسوب به وی: همانگونه که گفته شد

«آغا» به معنای بانو و غیره و «آقا» به معنای برادر بزرگتر و... مغولی است و در عصر مغولان به زبان فارسی راه یافته است. وجود یکی ازین دو واژه در آن خود نشانه آن است که یا از آن خواجه نیست و یا آنکه نساخان آنرا سخت دیگرگون کرده‌اند. زیرا برخلاف نظر نویسنده مقاله «آقا» که نوشته است «... در ایران از عهد سلاجقه و مغول کلمه آقا و آغا... زیاد دیده می‌شود» در نوشته‌های بازمانده از دوران سلجوقیان ایران این واژه هیچ دیده نمی‌شود و کاربرد آن در عصر ایلخانان مغول آغاز شده و در عصر تیموریان بفروانی به کار رفته است. به عنوان مثال: در «ظفرنامه شاهی» بیش از بیست بار «خواتین و آغایان» آمده است. تنها واژه‌ای که به ظاهر شباهتی به «آغا» دارد و در نوشته‌های عصر سلجوقی کاربرد داشته است «آغاجی» است که از نظر لغوی هیچ ربطی به آغا یا آقا ندارد. آغاجی که درست آن آغیچی است در «دیوان لغات الترک کاشغری» به معنای حاجب و پرده‌دار و در فرهنگ اویغوری قدیم به معنای خزانه‌دار می‌باشد (محمود کاشغری - دیوان... و Caferoglu. Eski... در پایان گفتنی است: اگرچه مفهوم دو اصطلاح مغولی آقا و آغا در زبان فارسی گسترش یافته، اما لاقط حرف‌نگاری آن دو واژه در فارسی بیشتر از زبانهای، ترکی - عربی - اردو و غیره رعایت شده است و شکل آن محفوظ مانده است.

منابع

- 1- Clauson, G. - **Turkish and Mongolian Studies**. London. 1962.
- 2- Doerfer, G. - **Turkische und Mon Mongolische Elemente Im Neupersische**. Band 1. Wiesbaden. 1963.
- 3- Clauson, G. - **An Etymological Dictionary of PRE-Thirteenth Century Turkish**. Oxford. 1972.
- 4- Lessing G.F. - **Mongolian - English Dictionary**. Bloomington. Indiana. 1982.
- 5- Ergin, M. - **Orhun Abideleri**. Istanbul. 1976
- 6- Hangin, J - **Basic Course in Mongolian**. Bloomington Indiana. 1968.
- ۷- ابوالغازی بهادرخان: شجره الاتراک. سن پترزبورگ ۱۸۷۴-۱۸۷۱. تجدید چاپ ۱۹۷۰
- 8- Cafer Oglu, A. - **Eski Uygurturkcesi Sozlugu**. Istanbul 1968.
- 9- Pekarskiy - **Yakut Dili Sozlugu**. Istanbul. 1945.
- 10- Shnitnikov, B. : **KAZAKH English dictionary**. London. 1966.
- 11- **Kazak Turkcesi Sozlugu**. Istanbul. 1984.
- 12- Paasonen, H. - **Cuvas Sozlugu** Istanbul. 1950.

13- Poppe, N. - Tatar Manual. The Hague. 1968.

14- Hanser, O. - Turkmen Manual. Wien 1977.

- ۱۵- دهخدا، علی اکبر: لغتنامه دهخدا ج ۱- تهران
- ۱۶- معین، دکتر محمد: فرهنگ معین ج ۱- تهران
- ۱۷- بیهقی، ابوالفضل: تاریخ بیهقی. تصحیح: علی اکبر فیاض (مشهد)
- ۱۸- نظام الملک، خواجه ابوعلی حسن طوسی سیرالملوک: تصحیح هیوبرت دارک، تهران - ۱۳۶۴
- ۱۹- منهاج سراج: طبقات ناصری تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران - ۱۳۶۳
- ۲۰- جوینی، عطا ملک: تاریخ جهانگشا تصحیح محمد قزوینی (تجدید چاپ). تهران بی تاریخ
- ۲۱- راوندی، محمدبن علی: راحه الصدور. تصحیح محمد اقبال، تهران. ۱۳۶۴
- ۲۲- غرنذری زیدری نسوی، شهاب الدین محمد: سیرت جلال منکبرنی تصحیح مجتبی مینوی. تهران - ۱۳۶۵
- ۲۳- ابن الجوزی، شمس الدین ابی المظفر - المروف بسط - مرآه الزمان فی تاریخ الاعیان. راجعه و قابله باصوله و علق علیه علی سویم - انقره - ۱۹۶۸
- ۲۴- مستوفی، حمدالله: تاریخ گزیده تصحیح: عبدالحسین نوائی. تهران. ۱۳۶۴
- ۲۵- شامی، نظام الدین: ظفرنامه تصحیح: فلکس تاور. پراگ. ۱۹۳۷
- ۲۶- کاشغری - محمود: دیوان لغات الترک (چاپ عکسی) استانبول ۱۹۴۱

نشریه تازه

آینه پژوهش

«ویژه اطلاع رسانی تحقیقات اسلامی» است که از طرف مرکز تحقیقات و پژوهشهای علوم اسلامی (قم) به صاحب امتیازی محمد عبائی خراسانی، مدیریت مصطفی درایتی، سردبیری محمدعلی مهدوی راد و ویراستاری محمداسفندیاری هر دو ماه یکبار نشر خواهد شد. شماره اول در ۱۰۸ صفحه فارسی و ۴ صفحه انگلیسی به بهای ۳۰۰ ریال حاوی این بخشهاست:

روشها - نگرش در نگارشها - پژوهشهای در آستانه نشر - بایستههای پژوهشی - تجربهها - مرکز علمی و فرهنگی - تازههای نگارش و نشر - کتابشناسی موضوعی - اخبار.

گردآوری اینگونه اطلاعات متنوع که برای پیشرفت کارهای پژوهشی در هر زمینه و رشته خاص ضرورت دارد با اتخاذ روش متین و تکیه بر زبان فارسی حکایت از سنجیدگی و پیوند بایسته فرهنگی دارد. امیدست شمارهای هر یک سال را به دنبال هم صفحهشماری کنند تا در ارجاع دادن کار برای مراجعه دهندگان آسان باشد.

گزیده‌ای از مطالب مجله که به زبانهای انگلیسی و عربی آورده شده مفید و مناسب و سبب آن است که دیگران به آسانی از کوششهای ایرانیان آگاهی یابند.